

نقد و بررسی کتاب

اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی

Hilary Pilkington and Galina Yemelianova, *Islam in Post - Soviet Russia, Public and Private Faces*, (London and New York: Routledge Curzon), 2003, 307pp.

اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی، هیلاری پیل کینگتون و گالینا یملی آنوا، لندن: روتلیج و کرزن، ۲۰۰۳، ۳۰۷ صفحه.

مقدمه کتاب مورد بررسی چنین آغاز می‌گردد: «در جهان کنونی که هویت‌های مشخص و ویژه نیز چندجهتی و ترکیبی می‌باشند این که اسلام وجوه گوناگون دارد و تلقی‌های مختلف از اسلام موجود است بازگویی موضوعی واضح و تا اندازه‌ای هراس‌انگیز بود. در آغاز قرن بیست و یکم این واقعیت برای اکثریت جمعیت جهان غیرمسلمان تعجب‌انگیز نمود. پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وسایل ارتباط جمعی غرب سعی کردند که این معمای آشکار را که پیروان اسلام - این کلمه به‌طور تحت‌اللفظی تسلیم در مقابل خواست خدا معنا می‌دهد - چنان اعمالی از

خشونت در مورد شهروندان عادی را با زیر سؤال بردن «ایمان و اعتقاد» آنها مرتکب می‌شوند تشریح نموده پاسخ گویند». کتاب اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی که در سال ۲۰۰۳ انتشار یافته تحقیقی مفصل از شعائر اسلامی، هویت اسلامی، ارزشهای مسلمانان و تعامل اینها با حاکمیت در دو جمهوری داغستان و تاتارستان را ارائه می‌دهد. برای آشنایی بیشتر فرازی دیگر از متن آورده می‌شود: «آیا این ویژگی‌ها به هیچ وجه مربوط به مسلمانان نیست بلکه صرفاً مربوط به تروریست‌ها است که از برجسب اسلام برای اهداف سیاسی افراطی استفاده می‌کنند؟ یا آیا آنها واقعاً مسلمانند اگر چه منحرف - متعصب، افراطی و شستشوی مغزی داده شده؟ و اگر نوع دوم هستند چه اجزای ویژه‌ای در تعالیم اسلام باعث چنان اشکال خشک و سختی گردید؟»

«در جستجوی جواب این پرسش‌ها، روزنامه‌نگاران و کارشناسان نه تنها به بررسی اختلافات مذاهب سنی و شیعه پرداختند بلکه به مطالعه مکاتب شرعی و فقهی گوناگون (حنفی - حنبلی - شافعی - مالکی) بیشتر از یک متن مقدس (قرآن، سنت و اخبار) و حتی تفاسیر مختلف آنان علاقه نشان دادند. برای بعضی از تحلیلگران، حنبلی و وهابی به‌ویژه از جهت بنیادگرایی بسیار به هم نزدیک هستند؛ در حالی که حنفی‌ها مکتبی منعطف و قابل تلفیق و تطبیق می‌باشند. اما برای دیگران، وهابیت یک مذهب دولتی و نهادینه بود که تقریباً باید به آن تندرو و مخالف اطلاق گردد؛ در مقایسه، تجانس و سازگاری مذهب حنفی آن را در جهت تفسیر خاص و حداکثر ظرفیت به‌منظور تدبیر و تغییر نگرانی‌های ناشی از جریانهای افراطی سیاسی سوق می‌دهد. آشفتگی و اشتیاق در منازعه جاری عام راجع به اسلام، در غرب به چشم می‌خورد؛ نویسندگان اظهار می‌دارند موانع نه به واسطه بی‌اعتباری یا حتی انکار اسلام بلکه به لحاظ پراکندگی در قالب یک نظام عقیدتی وجود دارند. پس از ۱۱ سپتامبر، در اندیشه غرب، اسلام به‌مثابه یک هواپیمای جت از زمین کنده شده و البته یک نیروی جهانی، بدون وطن، جدانشده از تاریخ‌ها، مکانها و مردم واقعی تلقی شد. البته، به دو جهت کسی نمی‌تواند اهمیت امت جهانی اسلام را انکار نماید:

- به عنوان یک مرجع برای میلیون‌ها مسلمان متحد اشاره می‌کند.
- به عنوان یک حرکت ماورای ملی، با تمامی ضمائم ساختاری که آن را دربر می‌گیرد. اما این فقط یک تصویر تبلیغاتی در یک سالن بزرگ از اشکال مختلف و ممکن اسلام رایج می‌باشد. در واقع، هویت مسلمانان به واسطهٔ تعدد و تکثر فرهنگهای قومی و محلی، سنت‌ها و روبه‌های زندگی، ساختارهای سیاسی و اجتماعی منهزم شده است. این زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی به‌علاوهٔ شرایط نه‌تنها سلیقه‌های نظری در اسلام (چون افراطی، اعتدالی، تفسیری - اصلتی) وجود دارند بلکه نوع اسلام حقوقی و قانونی در جهان معاصر غرب نیز حیات دارد؛ اسلام به عنوان یک عقیده و ایمان قدیمی باقی مانده و در اعمال و رفتارهای شخصی و عمومی روزانهٔ فرد مسلمان نمایان می‌گردد».

کتاب اسلام در روسیهٔ پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی، پویش اسلام را در شوروی سابق مطالعه می‌نماید. روسیه بیشترین اقلیت مسلمان را نسبت به هر کشور در اروپای غربی داراست و جامعهٔ نمونه‌ای است که در آن طی قرن‌ها جوامع مسلمان و مسیحی خود را با یکدیگر وفق داده‌اند و با تغییر و تحولات سیاسی، رقابتهای نژادی و فشارهای داخلی خود را سازگار نموده ترکیب شده‌اند. اسلام در روسیه، مذهبی مربوط به مهاجرت پیش از استعمار نیست، همچنین مرامنامه‌ای از شتاب جدید جهانی شدن و تغییر فرهنگی نمی‌باشد، در سال ۲۰۰۰، مسلمانان روسیه چهاردهمین قرن از حضور اسلام در سرزمین روسیه را جشن گرفتند. روسیه، جامعه‌ای با فهم‌های مضاعف از تمدن می‌باشد که در اندیشه‌های غرب در مقابل شرق و اسلام در مقابل مسیحیت یا اروپا در مقابل آسیا تبلور می‌یابند و کمی بیشتر از ارزش مطرح را داراست. روسیه که بین شرق و غرب قرار دارد و یک هویت فرهنگی «اوراسیا» را داراست خود را با تقریباً ۱۵ میلیون مسلمان در دولت فدرال وفق می‌دهد در حالی که از نظر فرهنگی در این کشور مسیحیت ارتدوکس حاکم می‌باشد.

کتاب حاضر ادعا ندارد حتی بخش کوچکی از تنوع اسلام در سرزمین روسیه را به‌طور کامل و با ابعاد گوناگون بررسی می‌نماید. نویسندگان کتاب اسلام در روسیهٔ پس از شوروی:

جلوه‌های خصوصی و عمومی دو مرکز مهم اسلامی در فدراسیون روسیه را برای نمونه جهت مطالعه آن تنوع انتخاب نموده‌اند. انتخاب ویژه تاتارستان و داغستان به عنوان موضوعات تحقیق ریشه‌های تاریخی اختلافات مسلمانان مناطق ولگا - اورال (بیشتر تاتارها و باشقیرهای ترک‌زبان) و مسلمانان قفقاز شمالی (شامل ایبری - قفقازی و فارسی با ریشه ترکی) را منعکس می‌نماید. دو جمهوری تاتارستان و داغستان با استفاده از مدل‌های اجتماعی جهت توسعه خود را وفق داده‌اند. در حالی که جمهوری تاتارستان در پی به رسمیت شناخته شدن به طور دوفاکتواز طرف مسکو است داغستان به رغم فساد اجتماعی - اقتصادی جدی و صدمه حاصل از توسعه فعالیت نظامی در شمال قفقاز مشتاقانه نسبت به مرکزیت سیاسی روسیه وفادار مانده بود. علاوه بر این، دو جمهوری داغستان و تاتارستان هریک در توسعه معنوی اسلام در زمان شوروی سابق نقش‌های مغایری ایفا نموده‌اند. حاکمیت‌های مسلمان تاتارستان به عنوان رهبران معنوی در جهت روندهای اصلاحی در اسلام عمل کرده‌اند در حالی که داغستان - دروازه ورود اسلام به سرزمین روسیه از نظر عبدالله اف، ۲۰۰۱ - به عنوان جایگاه دانش اسلام در روسیه و کلید اصلی رجوع به اسلام سنتی در منطقه باقی مانده است.

در هریک از زمینه‌های داخلی، نویسندگان کتاب مورد بررسی جنبه‌های «عمومی» و «خصوصی» اسلام را مطالعه نمودند. این ساختار متن کتاب به ضرورت حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات کسب شده در دو جمهوری از دو روایت کاملاً متفاوت - خصوصی و عمومی - از اسلام شکل گرفت.

اولین روایت - که از طرف نهاد سیاسی، روحانیت رسمی، اپوزیسیون اسلامی و ناسیونالیست، نخبگان فرهنگی و تحصیلکرده و اعضای طبقه جدید بازرگانان مطرح می‌گردید - رقابت اسلامی را در روندهای وسیع تر بسیج نژادی - ملی و توافقی نژادی - سیاسی در شوروی سابق فرو نشاند.

دومین روایت - که در مباحث خصوصی در مورد ویژگی مسلمان بودن آشکار است - راجع به اهمیت بسیار هویت مسلمان ابراز نمودن یا برتری یافتن هویت‌های نژادی، قبیله‌ای و مذهبی

در روسیه معاصر بحث می‌نماید. پدیداری این روایت‌ها بی‌شک از طریق طرح تجربی و مفهومی پروژه تحقیق از جایی که اطلاعات کتاب اخذ گردیده فراهم شده‌اند. این طرح، روشنگری و توضیح موضوع اسلام در شوروی سابق می‌باشد.

این تحقیق «ترکیبی» است و در تفهیم روابط بین قدرت سیاسی - هویتی و شکل دولت - ملت ریشه دارد. نویسندگان این کتاب، «ابزارگرایی» را به عنوان یک چارچوب مفهومی به کار می‌گیرند و راهی را که در آن تعلق نژادی به واسطه مقایسه منابع محدود، نه کمترین قدرت سیاسی به دست می‌آید را در پیش گرفتند.

سرانجام، ماهیت تفاسیر اولیه و اصلی از ناسیونالیسم در بین نخبگان و روایات مردمی تعیین شدند. در واقع، در این زمینه، این تحقیق، «منعکس‌کننده» می‌باشد. نویسندگان درک اصلی و نخستین از نژاد به عنوان ریشه سرزمینی و خونی را رد می‌کنند. روایات عام از قدرت سیاسی و نژادی به‌طور مکرر فهم «نهادگرا» یا «ابزارگرا» را آشکار می‌گرداند. برای مثال، در تاتارستان شمار کمی از مردم عقیده دارند که اگر بحران نژادی بروز نماید آینده «پروژه تاتارستانی» تماماً وابسته به «تسمیم مسکو و غازان» می‌باشد. در داغستان، توزیع قدرت سیاسی بر مبنای سلسله مراتب قومی کوچک به عنوان کمی بیش از روند سیاسی «عادی» ملاحظه می‌گردد. گفته‌ها و روایات در این کتاب، از طریق یک رشته مصاحبه‌ها با نمایندگان نهاد سیاسی، روحانیت رسمی اسلام، اپوزیسیون اسلامی و ملی، برگزیدگان فرهنگی و روشنفکر و افراد طبقه جدید تجاری تصریح می‌گردند. این مصاحبه‌ها در زمینه - مطالب از وسایل ارتباط جمعی و آکادمیک به دست آمده‌اند - تجزیه و تحلیل سؤالات کتاب حاصل ۹ روزنامه آکادمیک تاتار، ۵۰ مجله آکادمیک داغستان و ۲۵ روزنامه داغستان و ۱۶ روزنامه تاتار می‌باشد. همچنانکه شماری از روزنامه‌های غیررسمی وابسته به جناح اپوزیسیون و روزنامه‌های آکادمیک مربوط به روسیه مورد استناد و استفاده قرار گرفته‌اند.

در بخش جامعه‌شناسی کتاب حاضر میزان تعامل مردم با اسلام و ناسیونالیسم نژادی در جمهوری‌ها را مطالعه کرده و هرگونه شکاف پراکنده بین هویت‌های مردمی و فرهیختگی در

مورد مفاد و طبیعت ناسیونالیسم اسلامی در تاتارستان و داغستان را بررسی نموده است. به قول نویسندگان کتاب، در این زمان، ما می‌خواستیم چگونگی تغییر ماهیت در چشم‌انداز نژادی - سیاسی از اتحادشوروی سابق در دههٔ پیش را بر درک جمعی و شخصی از مذهب، نژاد و هویت ملی مطالعه کنیم. به منظور انجام این هدف، درک ریشه‌گرا از هویت نژادی و رابطه‌اش با تلاش برای دولت - ملت ضروری بود؛ ما نمی‌توانستیم طبیعت مسلمانان، هویت ملی و نژادی و درک رابطهٔ درونی آنها با هم را به‌طور کامل درک نماییم.

جامعه‌شناسی مربوط به تحقیق برای کتاب اسلام در روسیهٔ پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی، در تاتارستان و داغستان در دورهٔ زمانی سپتامبر ۹۷ تا اوت ۹۸ عملی گشت. در پی تجزیه و تحلیل اطلاعات و مباحث تجربهٔ محققان حاصل از مطالعهٔ آزمایشی در تاتارستان تصمیم بر آن شد که بررسی‌های جامعه‌شناسانه به اطلاعات گزیده محدود گردد. در مجموع، با ۵۱۶ نفر مصاحبه شد که ۳۰۲ نفر آنها از تاتارستان و ۲۱۴ نفر از داغستان بودند. اگرچه متوسط نمونه‌گیری برای تحقیق مناسب نبود سهمیه‌های مربوط به نژاد، جنس، سال و اقامت برای دو جمهوری در انتخاب داوطلبان تعیین شدند که برابری داغستان و تاتارستان را فراهم می‌کنند. در هر جمهوری تحقیق در دو شهر (پایتخت و دومین شهر) به علاوهٔ ۷ یا ۸ محله انجام شد که براساس ترکیب نژادی و سطح تعصب مذهبی یا خودآگاهی نژادی انتخاب شدند. در هر محله بین یک و سه اقامتگاه به عنوان ستادهای مصاحبه تعیین شدند. داوطلبان اختصاصی از طریق تصادفی ولی با توجه به سهمیه‌های نژاد، جنس و سن انتخاب گشتند. سناریوهای مصاحبه در سه شکل برای تاتارستان (برای تاتارها، تاتارهای مسیحی و روس‌ها) و در دو شکل برای داغستان (برای روس‌ها و گروههای غیرروس) صورت گرفت. مصاحبه‌ها با زبان روسی صورت گرفت. در تاتارستان، یک برنامهٔ مصاحبه‌ای جداگانه به زبان تاتار فراهم شد و هرگاه مصاحبه‌گر می‌خواست با تاتار مصاحبه نماید به میل وی عمل می‌شد. در داغستان، مترجمین محلی نیز به کار گرفته شدند و مصاحبه‌کنندگان قادر نبودند به روانی به روسی مصاحبه نمایند. اکثریت مصاحبه‌ها در خانه‌های مصاحبه‌شوندگان انجام شد. در مراجعه به اطلاعات حاصل از

مصاحبه‌ها، از اسامی عاریتی استفاده می‌شد. به تمام مصاحبه‌شوندگان در بخش مربوط به جامعه‌شناسی تحقیق مزبور کدهای شناسایی در یک سایت اطلاعاتی میکروسافت واگذار شده بود و در مصاحبه‌ها فقط از طریق جنس و هویت نژادی‌شان مشخص می‌گشتند. از مصاحبه‌کنندگان سؤال می‌شد که آیا متن پاسخهایشان بدون ذکر نام منتشر شود. بعضی رد می‌کردند چنانکه بعضی برای انتشار نظرات خود مسرور بودند و بعضی دیگر - به‌ویژه آنها که به جنبشهای اپوزیسیون جذب شده بودند - ذکر نشدن نامشان را خواستار بودند و این امر رعایت شده است.

جنبه مردمی اسلام در روسیه: گذشته و حال

از اوایل دهه ۱۹۹۰، نگرانی روبه‌رشدی در مورد موج جدید «رادیکالیسم اسلامی» در روسیه و «گسترش افراط‌گرایی اسلامی» در خاورمیانه، خاور نزدیک، آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و مهم‌تر از همه در منطقه قفقاز فدراسیون روسیه مطرح گشت. در بخش اول کتاب «اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی» تحت عنوان (جنبه مردمی اسلام)، نویسندگان، روابط روسیه با اسلام در زمینه سیاسی و تاریخی را توضیح می‌دهند تا درکی از روندهای نژادی - مذهبی در نواحی محصور در فدراسیون روسیه کمونیستی به دست آید. در فصل اول کتاب اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی، یکی از نویسندگان (گالینا) گسترش منحصر به فرد اسلام را در روسیه طراحی می‌نماید. او برای درک نقش‌های ویژه، شناخت ریشه‌های عمیق اسلام را در نواحی روسیه پیشنهاد می‌نماید.

اسلام از جنوب به روسیه آمد، ابتدا در شهر دربند^۱ (دومین شهر بزرگ فعلی داغستان) در سال ۶۸۵ میلادی وارد شد. تا سال ۹۲۲ میلادی، بلغارهای ولگا - کاما^۲ (جمعیت تاتارستان کنونی از بقایای آنهاست) اسلام را پذیرفته بودند^۳. یملیانوا^۴ اظهار می‌دارد که پس از ۱۳۰۰

1. Derbend

2. Volga - Kama Bulgars

3. Landa 20002:18

4. Yemeljanova

سال همزیستی، روسیه روابط مشخص خود را با جهان اسلام گسترش داد که اساساً با روابط بین اسلام و غرب متفاوت بود.

سیمای برجسته اسلام در روسیه همیشه در تعامل پیچیده با موضوع نژاد تحول یافته است؛ این مطالعه صرفاً با یک گروه نژادی خاص (برای مثال ارتدوکس روسیه) انجام نشد. خانان خزر (قرن ۸ تا ۱۰ میلادی) و بلغارهای ولگا (قرون ۸ تا ۱۳ میلادی) که در شکل دادن حکومت و جامعه متقدم روسیه نقش اصلی ایفا نمودند چند نژادی و دارای باورها و اعتقادات متنوع بودند. این امر ممکن گشت حداقل بخشی به واسطه آن که علمای مسلمان بلغار ولگا به اصول تجدید و تجدّد (اصلاح) و اجتهاد (قضاوت مستقل مراجع به یک موضوع حقوقی یا دینی براساس تفسیر قرآن و سنت) مدت طولانی تری نسبت به دیگر مراکز در شرق اسلامی وفادار ماندند. همچنین، مسأله فوق آنان را قادر ساخت به اختلافات مذهبی بین فرقه‌های گوناگون و مکاتب اسلامی اهمیتی ندهند و بر ارزشهای اجتماعی و اخلاقی آن تأکید نمایند. دومین وجه تمایز اسلام در روسیه حاصل تاریخ طولانی تبعیت تام مردم این کشور از اسلام بوده است. توقف رشد اسلام که با روسی نمودن اجباری و مسیحیت قهری همراه بود برای سیاست مسکو در جهت همگرایی سرزمینهای غیر روس محصور در دولت روسیه مهم شمرده می‌شدند. همزمانی ویرانی مساجد و شکنجه روحانیون، روسیه را از نخبگان مسلمان قازان که مخازن اصلی مشخصه فرهنگی، نژادی و مذهبی تاتارها (که در اسلام روستاهای آن منطقه متبلور می‌شد) بودند رهانید.

در مقابل، در داغستان، اسلام روشنفکری بسیار بهتر دوام یافت تا اسلام مردم اورال - ولگا که پیرو طریقت نقشبندیه بودند و نقش مهمی در مقاومت طولانی در مقابل غلبه روسیه در قفقاز شمالی از نیمه دوم قرن ۱۸ ایفا نمودند.

سرفصل موضوع اسلام در روسیه با مرافعه و منازعه روس‌ها در قرن ۱۹ با مسلمانان مشخص می‌گردد: چگونه به منظور مدرنیزه کردن یک کشور، یک رژیم امپراتوری و اتوکرات فلج می‌شود. این موضوع باعث ظهور جنبش قدرتمند اصلاحات در مسلمانان تاتار تحت عنوان

«جدیدیسم»^۱ شد که با اصل چندنژادی و مدنیت منطبق شده و یک چارچوب ایدئولوژیک برای تقویت ملی تاتارها در دولت روسیه فراهم نمود. سرانجام، به‌رغم مشغولیت ایدئولوژیک هواداران «جدیدیسم» در تاتارستان و قدرت مذهبی رهبران مذهبی تربیت یافته در داغستان، اسلام حضور عمومی را در دو جمهوری حفظ کرد. در مقایسه با ارتدوکس، اسلام اهمیت هر روزه خود را تداوم بخشید و به صورت مجموعه‌ای از اعمال و شعائر روزانه که جدا از اسلام «استاندارد» می‌باشد شمرده شد به نحوی که به عنوان یک نظام مبارز حتی در دوران اتحاد شوروی باقی ماند.

در بخش دوم کتاب اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی، رویارویی اسلام و ناسیونالیسم اسلامی با ساختارهای سیاسی شوروی سابق مطالعه می‌گردد. در این بخش، گالینا، یکی از نویسندگان کتاب، نقش نخبگان مسلمان در تصمیم‌گیری سیاسی و درجه تأثیرگذاری اسلام بر فعالیتهای اجرایی و مقننه در جمهوری‌ها و تأثیر بر آگاهی عمومی راجع به دوباره نهادینه کردن رسمی شعائر مذهبی و تعطیلات اسلامی به زندگی عمومی را مطالعه می‌نماید. همچنین، خانم گالینا سؤالات کوتاهی دربارهٔ پیچیدگی‌های شکل‌گیری یک هویت ملی اسلامی مطرح نموده راجع به آنها بحث می‌نماید. برای جامعهٔ چندنژادی تأثیر اسلام بر شکل‌گیری هویت ملی رسمی و روابط خارجی و استفاده از اسلام در بنیاد یک ترکیب «میتولوژی»^۲ به بیانیهٔ ملی (استفاده از اسطوره‌شناسی سیاسی در تبیین هویت ملی) را طرح می‌نماید. این بخش به‌طور مشروح روابط بین اسلام و سازمانها و جنبشهای سیاسی و غیرسیاسی اپوزیسیون را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی ترکیب اجتماعی و نژادی نیروهای اپوزیسیون سیاسی و غیرسیاسی و تأثیر واقعی‌شان بر مشی‌های دو جمهوری را مطالعه می‌کند. تصویرهای اپوزیسیون از اسلام و نقش آن در توسعهٔ منطقه‌ای و ملی در بخش دوم کتاب توضیح داده شده‌اند و ارتباط بین افکار و آمال نژادی و اسلامی «احزاب سیاسی نژادی»، به‌ویژه داغستان چند نژادی، مشخص گردیده‌اند.

1. Jadidism

2. Mythology

در ارتباط با داغستان، در مورد شکل‌گیری رژیم پس از شوروی، با یک افول و دلسردی اپوزیسیون ناسیونالیست و دموکراتیک که طی دوره پرسترویکا ظاهر شد تغییر سیاسی در داغستان را تسریع نمود. فقر اقتصادی متداوم و نبود امنیت در جمهوری با تصویری عمومی از رژیم فاسد و وسیعاً نامناسب از سال ۱۹۹۵ که به جنبش بنیادگرای اسلامی موسوم به وهابیت وصل شده بود به مخالفت اجتماعی روبه رشد منجر گشت. در تاتارستان، تاکنون تلاشهای نیروهای گوناگون اپوزیسیون برای ایفای نقش اسلامی با شکست مواجه شده و برعکس قفقاز شمالی؛ اسلام در تاتارستان یک چارچوبی تجهیززی برای اپوزیسیون جهت تصاحب رژیم فراهم نکرده است.

در مجموع، ثبات نسبی تاتارستان تأمین شده و فرصتهای نیروهای اپوزیسیون در تاتارستان جهت مطرح شدن به عنوان تهدیدی جدی برای این جمهوری در آینده قابل پیش‌بینی را از بین برده است. در فصل سوم کتاب اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی، عکس‌العمل نخبگان روحانی مسلمان نسبت به لیبرالیزه نمودن مذهب و تردید ایدئولوژیک در حوزه شوروی سابق بررسی می‌گردد. این فصل از کتاب مورد نظر ساختار سازمانی نهادهای مذهبی - اسلامی محلی و منطقه‌ای به ویژه هیأت امنای روحانی اسلامی تاتارستان و داغستان و همچنین مبارزات سیاسی و نژادی برای کنترل آنها را مطالعه می‌نماید. موقعیت صاحب‌منصبان اسلامی در سطح و درجه دوباره اسلامی نمودن جوامع تاتاری و داغستانی به موازات نظریات رسمی در مورد نقش لازم دولت در این روند تعیین شده است. نویسندگان نفوذ سیاسی و روحانی مفتی‌ها و امامان برجسته را ارزیابی کرده و مضامین سیاسی و اجتماعی بازسازی گسترده مساجد، مدارس اسلامی، مراکز فرهنگی، توسعه یک شبکه وسیع از گروههای مطالعاتی عربی و وسایل ارتباط جمعی روبه‌تزايد را تعیین و بررسی می‌نماید. بنابه اظهار یکی از نویسندگان در فصل سوم کتاب اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی توسعه سازمانی و ساختاری هیأت روحانی مسلمانان تاتارستان در تنظیم دستور کار اسلامی در دهه نود در این جمهوری نقش اصلی را داشته‌است. تا پایان دهه ۹۰، روحانیون تاتار

خود را درگیر مباحث دینی و بنیادی نموده بودند. همچنین در کتاب مورد بررسی بحث‌های کلیدی درباره «تقلید»، «مذهب»، «وهابیت»، «صوفی‌گری» و «بدعت» مطرح می‌شود و در فصل سوم بنابه نظر محققان، در داغستان اسلام «رسمی» با چالش‌های بزرگتری از خیزش بنیادگرایی اسلامی یا «اسلام غیررسمی» مواجه بود.

در نگاهی کلی، کتاب اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی به لحاظ مطالعه میدانی و بررسی دقیق، عمیق و تخصصی نمادهای جمعی و فردی دین اسلام در دو جمهوری داغستان و تاتارستان برای محققان حوزه شوروی سابق می‌تواند بسیار مفید باشد. بخش فرهنگ لغات کتاب مورد اشاره شایسته تحسین فراوان می‌باشد چراکه بیش از ۲۲۰ لغت، اصطلاح و واژه فارسی، ترکی و عربی که در فرهنگ دینی-اجتماعی و سیاسی مردم دو جمهوری بسیار رواج داشته و دارد را یکایک توضیح داده که از این جهت بر غنای کتاب اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی می‌افزاید. شماری از آن لغات و اصطلاحات و املاهای آنها که برای هر یک در این کتاب توضیح کافی داده شده است عبارتند از: اهل‌الکتاب (Ahl-ul-kitab)، عادات (Adat)، آخوند (Akhund)، الیم (Alim)، بحرالعلوم (Bahr-al-ulum)، دهقان (Dehqan)، دبیر (Dibir)، فتوا (Fetwa)، فقه (Fiqh)، قضاوت (Gazawat)، قاضی (Gazi)، حدیث (Hadith)، حج (Hajj)، حاجی (Hajjee)، حلال (Halal)، عبادت (Ibadat)، جماعت (Jamaat)، کافر (Kafir)، خطبه (Khutba)، کمسومول (Komsomol)، خوچوک بایرام (Kuchuk - Bayram)، کومگان (Kumgan)، اوغلان (Oglan)، شکیرد (Shakird)، شمان (Shaman)، تکه (Tekke)، تمنیک (Temnik)، اولان (Ulan)، یارلیک (Yarlyk)، یارمارکا (Yarmarka)، یاسا (Yasa)، یاساکچی (Yasakchi)، زمستوو (Zemstvo)، موستال (Mustal)، اوخرانکا (Okhranka)، اوکروگ (Okrog)، پاپاخا (Papakha)، پولز (Pools).

فصول کلی کتاب شامل: وجهه عمومی اسلام و جلوه خصوصی اسلام می‌باشد.

در فصل اول، سه عنوان الف) اسلام در روسیه: یک نگاه تاریخی؛ ب) اسلام و قدرت؛ ج) اسلام رسمی و غیررسمی و در فصل دوم چهار عنوان: الف) اسلام و کنکاش در پی هویت؛ ب)

اسلام عملی: شعائر، مراسم و رواج ارزشهای اسلامی - نژادی؛ ج) اسلام در جامعه چندنژادی: سیاست و هویت؛ د) مباحث مربوط به حقوق زن و مرد در جوامع اسلامی روسیه؛ مطالب کتاب اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی را متمایز می‌نماید.

قابل توجه است که خانم هیلاری در بخش نتیجه‌گیری کتاب گفتاری کلی و پرمحتوی ارائه داده می‌گوید: «آیا جوامع مسیحی و مسلمان می‌توانند با یکدیگر زندگی کنند؟ چه نوع نظم سیاسی، فرهنگی و نژادی برای تسهیل این همزیستی ارائه می‌گردد؟ آیا روسیه الگویی را برای مصالحه و آشتی تهیه کرده است؟ آیا فدراسیون روسیه به طور فزاینده‌ای نسبت به آینده گسترش «افراط‌گرایی اسلامی» آسیب‌پذیر است؟ موضوع «افراط‌گرایی اسلامی» موضوعی است که در خط اول تضاد بین غرب و اسلام مطرح است. این موضوع در آینده فدراسیون روسیه چه تأثیری دارد؟» ص ۲۴۶. پاسخ این سؤالات بنیادی را در کتاب اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی می‌توان یافت. مهمتر آن که نویسندگان کتاب مسیری را که اسلام - در دو وجه خصوصی و عمومی - در روند شکل‌گیری دستورالعمل‌های مذهبی، ملی و نژادی در جمهوری‌های خودمختار روسیه با آن مواجه بوده است مقایسه و مقابله می‌نمایند. در این کتاب مفهوم‌سازی و تلفیق مضامین اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - نژادی معاصر و تاریخی از اسلام تشریح شده است.

همچنین، کتاب مذکور حاوی ۲۵ نقشه، عکس و جدول می‌باشد که در تبیین محتوای مذهبی، اجتماعی و تاریخی مطالب جای شایسته خود را داراست. در پایان، توجه محققان و پژوهشگران زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی روسیه و منطقه قفقاز به مطالعه کتاب ارزنده اسلام در روسیه پس از شوروی: جلوه‌های خصوصی و عمومی معطوف می‌گردد.

قاسم ملکی - مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز